

متن پرسش

سلام استاد عزیزم. ان شاء الله تنتون سلامت و حالتون خوب باشه. بنده در سه مورد سوال و ابهام داشتم. ۱_ در مورد حرکت جوهری به یک درکی رسیده ام که خواستم باهاتون به اشتراک بذارم ببینم درست متوجه شده ام یا خیر. یکی از چیزهایی که بنده از برهان صدیقین و حرکت جوهری فهمیده ام این است که تمام موجودات عالم، چه عالم ماده و چه عالم مجردات عین فقر و نیاز به خداوند هستند. یا به تعبیر دقیق تر همه ی آنچه که هست حکایت از وجود خداوند دارد و اوست که در صحنه است. خب اینجا خواستم فرق هست عالم مجردات با هست عالم ماده را با هم مقایسه کنم. هست عالم مجردات یک هست ثابت است و هر لحظه خداوند همان هست او را به آن عنایت می کند و می بخشد، اما عالم ماده یک تفاوت با عالم مجردات دارد و آن این است که درست است که عالم ماده هم همواره هستش به افاضه خداست، اما چون ذات آن متحول و عین حرکت و عین نیاز است هر لحظه هست جدیدی از آن در صحنه است که از هست قبلی آن کامل تر است و بیشتر به فعلیت رسیده است. پس فرق هست عالم مجردات با هست عالم ماده در همین است که در عالم ماده هر لحظه خداوند هست کامل تری را به صحنه می آورد اما در عالم مجردات هر لحظه همان هست ثابت و غیرمتغیر در صحنه است. درست متوجه شدم؟ ۲_ درک دیگری که به آن رسیده ام: به نظر بنده سبب رسیده از سبب نارس درجه وجودی اش قوی تر است و کامل تر است. به همین ترتیب سببی که از شدت پوسیدگی و خرابی پودر شده است و تقریباً چیزی از آن باقی نمانده است از یک سبب رسیده و خوشمزه کامل تر است و درجه وجودی شدیدتری دارد. چون سبب پوسیده زمان بیشتری را گذرانده و قبلیت و بعدیت بیشتری را تجربه کرده و فیض بیشتری را دریافت نموده است. این یعنی حجم و رنگ قرمز و بوی خوش سبب برای آن کمال نبود. نسبت به سبب نارس کمال است ولی نسبت به سبب پوسیده و متلاشی شده نقص است. درست متوجه شده ام؟ ۳_ موضوع دیگری که بی ربط به دو موضوع قبلی نیست این است که برخی موجودات روند پیری زودتری را طی می کنند برخی کنند تر. اگر عالم ماده عین حرکت است و حرکت تند و کند برای آن بی معناست پس چرا تن برخی انسان ها زودتر پیر می شود برخی دیرتر؟ مثلاً تن مبارک امام زمان عج بیش از هزار سال است که موجود است ولی تن برخی از انسان ها ۱۰۰ سال بیشتر نمی ماند. این چه توجیهی دارد؟ آیا تن مبارک حضرت قوانین عالم ماده را مترتب نمی شود؟ یا شدت نفس حضرت که بالاترین درجه از شدت در مخلوقات است به تن ایشان سرایت کرده و آن را از ذات عین حرکت خود بازداشته است؟ اگر ممکنه توضیح قابل فهمی برای بنده بفرمایید. خدا شما رو خیر دنیا و آخرت نصیب کند □□

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- برداشت بسیار خوبی از «برهان صدیقین» و «حرکت جوهری» داشته‌اید
۲- تغییر در اعراض، غیر تغییر در جوهر است و از این جهت تغییری که در سیب رسیده می‌شود، این
تغییر در اعراض است و سیب، به اعتبار مرتبهٔ مادی خود مانند دیگر پدیده‌های مادی، حرکت ذاتی
خود را دارد ۳- نفس انسان به اعتبار ظرفیتی که در نفس نسبت به تغییر مابه‌القوه به مابه‌الفعل دارد؛
سن افراد متفاوت می‌شود و ربطی به ذات مادی آن‌ها ندارد. موفق باشید